



نویسنده: کوین مک دونالد

ترجمه‌ی: داود حیدری

## معرفی و نقد آثار

# آلن تورن

نگاه می‌کردند و کمونیست‌ها این علم را پدیده‌ای وابسته به بورژوازی به شمار می‌آوردند. با توجه به آن‌چه که گفته شد، زندگی روشن‌فکرانه‌ی تورن را می‌توان به سه دوره‌ی متفاوت تقسیم کرد.

### دستاوردهای مهم نظری

نخستین دوره‌ی فعالیت‌های تورن، با تحقیق درباره‌ی مناقشه‌های کارگری در «کارخانه‌ی خودروسازی رنو» آغاز شد. این دوره از زندگی و تحقیقات چنان تأثیری بر افکار و اندیشه‌های تورن بر جای گذاشت که تا پایان فعالیت‌های علمی وی پابرجا ماند. نظریه‌ای که تورن در پرتو مطالعات و تجربیات خود ارائه داده، نظریه‌ای جامعه‌شناختی است که بر پایه‌ی تقابل و رویارویی کنشگران اجتماعی و مبارزات آن‌ها شکل گرفته است.

مرحله‌ی اول زندگی تورن، در راه تلاش برای یافتن کنشگران اجتماعی و مناقشات جامعه‌ی صنعتی سپری شد. نظریه‌ی ارتودوکسی مارکسیستی که در آن زمان رواج داشت، بر تضادهای ساختاری و قوانین حاکم بر تاریخ تأکید می‌ورزید، درحالی‌که تورن درصدد یافتن کنشگران اجتماعی، مناسبات اجتماعی و آگاهی طبقاتی بود. این دوره از جامعه‌شناسی صنعتی تورن در ایجاد مفاهیم محوری در ذهن وی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و نوشته‌ها و آثار وی را نیز به گونه‌ای چشم‌گیر تحت تأثیر قرار داد.

آلن تورن<sup>۱</sup> (متولد ۱۹۲۵) یکی از نامدارترین جامعه‌شناسان فرانسوی در قرن بیستم است که با نوشته‌ها و اندیشه‌های خود به علم جامعه‌شناسی در فرانسه و جهان شکل داد. در خانواده‌ای که بسیاری از اعضای آن پزشک بودند، به دنیا آمد و در فاصله‌ی دو جنگ جهانی، در «مدرسه‌ی نورمال سوپریور»<sup>۲</sup> که فرزندان نخبگان فرانسه در آنجا تحصیل می‌کردند، در رشته‌ی تاریخ و فلسفه به تحصیل پرداخت. او مدتی با ژان فرانسوا لیوتار<sup>۳</sup> هم‌کلاسی بود. تورن از سال‌های اولیه‌ی تحصیل در این مدرسه که بی‌شبهت به مدارس شبانه‌روزی مذهبی نبود به خوبی یاد می‌کند و می‌گوید: اگر جامعه‌شناس شدم، احتمالاً علت آن پیوند دوباره‌ی من با دنیای خارج بود که در سال‌های اولیه‌ی تحصیل از آن جدا افتاده بودم.

وی در سال ۱۹۴۷ ترک تحصیل کرد و برای کار در معدن ذغال‌سنگ، راهی شمال فرانسه شد. در خلال کار در معدن بود که در جریان اعتصاب معدنچیان در سال ۱۹۴۸ قرار گرفت و با فرهنگ مبارزه‌ی آنان آشنا شد. در عین حال نیز به مطالعه‌ی آثار و نوشته‌های جرج فردمن (۱۹۶۱) پرداخت. در آن سال‌ها، فردمن در زمینه‌ی جامعه‌شناسی که علم کم‌اهمیتی تلقی می‌شد، تحقیق می‌کرد و درصدد کشف مسائل اجتماعی نظام‌های کار صنعتی بود. تورن پس از مدتی تحصیلات خود را از سر گرفت و در سال ۱۹۵۰، به گروه پژوهشی جامعه‌شناسانی پیوست که با فردمن همکاری می‌کردند. در آن زمان، هم روشن‌فکران سنت‌گرا و هم روشن‌فکران کمونیست در فرانسه به جامعه‌شناسی به دیده‌ی تحقیر

در میان افکار و اندیشه‌های تورن، دو مفهوم «تاریخیت»<sup>۴</sup> و رابطه‌ی اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردارند. تورن می‌گوید: هر جامعه از شکل خاصی از خلاقیت اجتماعی برخوردار است و کنشگران تلاش می‌کنند تا آن را به شکل دل‌خواه و مورد نظر خود درآورند. در جامعه‌ی صنعتی، این خلاقیت به صورت دگرگونی طبیعت یا کار جلوه می‌کند. گرچه نظریه‌ی مارکسیسم بر وجود مناقشه‌ای بنیادین بین سرمایه و کار تأکید می‌ورزد، اما تورن بر این باور است که کارگران و صاحبان صنعت، فرهنگی مشترک دارند (اطمینان به پیشرفت، ایمان به دانش و عقلانیت) و در عین حال با یکدیگر بر سر سازمان اجتماعی گرایش‌های فرهنگ مشترک، درستینند. تورن در نخستین کتاب نظری خود چنین استدلال می‌کند که جامعه محصل مناقشه‌ی بین کنشگران است، نه قوانین تاریخی و وظیفه‌ی جامعه‌شناسی کشف این واقعیت است.

در سال ۱۹۶۷، تورن به مدیریت گروه جدید جامعه‌شناسی در «دانشگاه ناتر» در حومه‌ی پاریس منصوب شد. این گروه به زادگاه جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ تبدیل شد. به اعتقاد تورن، جنبش دانشجویی فرانسه در واقع بستری برای پیدایش و ظهور جامعه‌ای نوین شد و همین موضوع، محور اصلی دومین دوره از زندگی روشن فکری وی را تشکیل می‌دهد. وی می‌گوید: قدرت از کنترل مراکز کار خارج می‌شود و در اختیار تولید فرهنگ قرار می‌گیرد. با آن که دانشجویان فرانسوی در جنبش ماه مه ۱۹۶۸ به زبان پرولتاریا و مارکسیسم سخن می‌گفتند، اما تورن بر این باور بود که این مناقشه در عرصه‌ی جدیدی، یعنی فرهنگ و هویت در گرفته است. در این دوره بود که تورن دومین اثر نظری خود را به رشته‌ی تحریر درآورد و در آن، کنشگران و خلاقیت و مناقشه‌ی آنان را در کانون مفهوم و مقوله‌ای قرار داد که از آن تحت عنوان «تولید جامعه» یاد کرده است.

خوشبینی‌هایی که درباره‌ی جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ به وجود آمده بود، به زودی جای خود را به تروریسم چپ‌گرا در فرانسه، آلمان، ایتالیا و تا حدودی آمریکا داد. این تحول را می‌توان تنها نشانه‌ی ضعف و بحران جنبش‌های اجتماعی به شمار آورد. در خلال این دوره، سه کتاب به صورت رساله‌هایی متفکرانه نوشت و این دوره از زندگی فکری خود را در سال‌های بعد به عنوان دوران بازنگری توصیف کرد. وی از کودتای ۱۹۷۳ در شیلی نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. چون افزون بر دلایل سیاسی و روشن‌فکرانه، تورن سال‌ها در شیلی تدریس و تحقیق کرده بود و همسرش نیز اهل این کشور بود. امید بستن تورن به کنشگران و تجدید حیات اجتماعی، از قرار جای خود را به ترور، خشونت، خودکامگی و بدبینی ژرف نسبت به «فوکویاسم»<sup>۵</sup> و مارکسیسم ساختاری سپرد.

به هر حال، در سال ۱۹۷۶ بود که نشانه‌های تجدید حیات اجتماعی در فرانسه بار دیگر به شکل بسیج دانشجویان برای مقابله با اصلاحات ساختاری دانشگاه‌ها و این بار در قالب جنبش زیست‌محیطی، بروز کرد. آیا این شکل جدید مبارزات دانشجویی، چالشی است علیه انواع قدرت‌هایی که جامعه‌ی فرادصنعتی را شکل می‌دهند، یا خیر؟ تورن بر این باور بود که

زندگی اجتماعی به گونه‌ای فزاینده حول محور دانش و فناوری شکل می‌گیرد و بسیج‌های دانشجویی که تولید اجتماعی دانش و فناوری را به چالش گرفته‌اند، همان نقشی را ایفا خواهند کرد که جنبش‌های کارگری در جامعه‌ی صنعتی ایفا کردند.

از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵، تورن وقت خود را برای تبیین این موضوع صرف کرد که مناقشات اجتماعی نوظهور صرفاً نتیجه‌ی بروز بحران در گروه‌ها یا خواسته‌های متفاوت گروه‌های ذی‌نفع نیستند، بلکه برخاسته از رقابت میان گرایش‌های اجتماعی محوری هستند که تورن از آن‌ها تحت عنوان «جنبش اجتماعی» یاد می‌کند. وی به همراه گروهی از پژوهشگران، نظریه‌ی «مداخله‌ی جامعه‌شناختی»<sup>۶</sup> را ابداع کردند؛ روشی تحقیقی که در یک بافت پژوهشی، مناسبات اجتماعی را باز تولید می‌کند و کنشگران اجتماعی مسلط و عمده را در گروه‌های پژوهشی واحد جای می‌دهد. نظریه‌ی مداخله جامعه‌شناختی از جمله نوآوری‌های مهم در روش تحقیق کیفی در خلال ۲۵ سال گذشته است، چون در این روش، کنشگران اجتماعی رقیب وارد فرایند گفت‌وگو می‌شوند و از فعالان جنبش‌ها می‌خواهند تا این تعامل را در فرایند خودآزمایی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

در دهه‌ی ۱۹۸۰، فعالیت‌های فکری تورن وارد سومین دوره‌ی خود شد. تحقیقات و نوشته‌های تورن در این دوره روی «جامعه‌شناسی سوژه‌ها (کنشگر آگاه) و شناسنده»<sup>۷</sup> متمرکز بود. تحقیق درباره‌ی جنبش‌های اجتماعی جدید، ایده‌ی دگرگونی سریع جوامع صنعتی و تبدیل آن‌ها به جوامع فرادصنعتی با فرهنگ، منابع و مناقشات خاص خود را امری منطقی فرض کرده بود. اما پس از چندی معلوم شد که جامعه مفهومی بسیار پیچیده و به هم تنیده است و نمی‌توان از آن به عنوان ابزاری برای کندوکاو در زندگی اجتماعی استفاده کرد. جهانی شدن، توان و ظرفیت جوامع را برای تولید هنجارها تضعیف کرده است. به علاوه، اقتصاد به گونه‌ای فزاینده، از چنگ محدودیت‌های سیاسی رها و مستقل می‌شود و در این میان، ایده‌ها و اندیشه‌های مربوط به نقش و «نهاد»<sup>۸</sup> که مفاهیم محوری جامعه‌شناسی محسوب می‌شوند، جای خود را به هویت و «اجتماع»<sup>۹</sup> می‌دهند. تورن، این تحول را تحت عناوین «نهادزدایی»<sup>۱۰</sup> و «جامعه‌پذیری‌زدایی»<sup>۱۱</sup> مورد بررسی قرار داده و تضعیف نهادها و هنجارها را در زندگی اجتماعی معاصر بازگو کرده است. فروپاشی جامعه از لحاظ فکری در خلال دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به موازات پیدایش نظریه‌ی پُست مدرن که تورن آن را بخشی از تلاشی شدن جلوه‌های قدیمی جامعه‌ی منسجم به شمار می‌آورد، صورت گرفت. با وجود این، تورن در آثار و نوشته‌های خود چندان به تجزیه و تحلیل الگوها و مناقشات جدید اجتماعی نپرداخته است.

آثار و نوشته‌های تورن، امروزه روی شکل‌های متنوع سلطه و مناقشه که زندگی اجتماعی معاصر شاهد آن است، و هم‌چنین بررسی مسائل مرتبط با آزادی متمرکز شده‌اند. وی به جای تأکید بر انسجام، تنش‌ها را برجسته می‌سازد و بر این باور است که خلاقیت جامعه‌شناسی در ارزیابی بی‌وقفه روابط موجود بین جبر اجتماعی و آزادی، بین ساختار و «عاملیت»<sup>۱۲</sup>، و «بین‌نظم و جنبش» نهفته است. تورن می‌گوید: «جامعه‌شناسی...»

مجموعه‌ای از افکار، اندیشه و پژوهش‌هایی است که کانون اصلی آن‌ها را، از میان رفتن بنیادی وحدت در جوامع مدرن تشکیل می‌دهد. «  
 از دیدگاه تورن، متلاشی شدن جامعه با خطر افزایش فاصله بین کسانی که در دنیای بازارهای جهانی زندگی می‌کنند و کسانی که از این بازار کنار گذاشته شده‌اند، همراه است. فروپاشی جامعه، برای زندگی افراد نیز پیامدهایی داشته و سبب شده است، زندگی انسان‌ها نیز با خطر تبدیل شدن به یک رشته رویداد، هم چون گرفتار آمدن بین ایستگاه‌های مختلف تلویزیونی تبدیل شود. از این منظر، در خلال دهه‌ی ۱۹۹۰، تورن از «جامعه‌شناسی سوژه (کنشگر آگاه)» سخن می‌گوید. از نظر او «سوژه» یعنی تمایل فرد به تبدیل شدن به یک کنشگر. مناقشات عصر حاضر بر سر مالکیت ابزار تولید درنگرفته‌اند، بلکه به سوی حوزه فرهنگ و معنا سوق یافته‌اند و بیشتر به این موضوع ارتباط پیدا می‌کنند که در عصر در حال پیدایش جامعه‌ی جهانی، فردیت چه معنایی پیدا می‌کند.  
 از دیدگاه تورن، امروزه مهم‌ترین مسئله‌ی سیاسی که بشر با آن روبرو است، نهادینه ساختن دوباره‌ی کنترل سیاسی فعالیت‌های اقتصادی است. وی ایده و افکار مربوط به بازگشت به گذشته را مردود می‌داند و بر این باور است که دوره‌ی دولت رفاه دوران پس از جنگ جهانی دوم و اقتصاد ملی مورد حمایت دولت، سپری شده است. وی عقیده دارد که زندگی اجتماعی، با اهمیت یافتن هرچه بیشتر صمیمیت، حریم شخصی و خصوصی، پدید آمدن زندگی مشترک داوطلبانه، ورود مسائل خصوصی هم‌چون جنسیت، تولد، مرگ و خاطرات جمعی به حوزه‌ی عمومی شکل می‌گیرد. امروزه دیگر انسان‌ها را نمی‌توان با نقش اجتماعی که برعهده دارند، تعریف کرد، چون یک سلسله پرسش‌های جدید مطرح می‌شوند. پیدایش کنشگران تازه که مدعی حقوق و هویتی تازه‌اند، باید شالوده‌ی نوع تازه‌ای از دموکراسی و مردم‌سالاری قرار گیرد.

روشن‌فکری فرانسه، جهانی شدن را چیزی بیش از آمریکایی شدن به شمار نمی‌آورد و بر ضرورت متوقف شدن این فرایند تأکید می‌کند. یکی از سرشناس‌ترین منتقدان تورن در این زمینه پی‌یر بورویو<sup>۱۴</sup> است که در دهه‌ی ۱۹۹۰، نقش سخن‌گویی رسمی جنبش ضد جهانی شدن را برعهده گرفت. او مکتب تورن را به عنوان نماد آمریکایی شدن، مورد انتقاد شدید قرار داد و مداخله‌ی جامعه‌شناختی را مقوله‌ای شبیه ژورنالیسم توصیف و جامعه‌شناسی «کنشگر محور» را مردود اعلام کرد.

سومین انتقاد مهم از اندیشه‌ها و آثار تورن علیه این ادعای وی صورت گرفته است که می‌توان زندگی اجتماعی را با توجه به مناقشه‌ی محوری موجود در آن ارزیابی کرد و به بررسی مناقشات گوناگونی که در جامعه جریان دارند و ضرورت ارتباطی نیز با یکدیگر ندارند، نیازی نیست. جالب‌ترین انتقاد در این زمینه را آلبرتو ملوچی<sup>۱۵</sup> به عمل آورده است. او می‌گوید: امکان ندارد بتوان زندگی اجتماعی را آن‌گونه که تورن می‌گوید، با تکیه بر مناقشه‌ی عمده و محوری در جامعه تجزیه و تحلیل کرد. تورن تا حدودی به این انتقاد تن داده است و روی آوردن وی به جامعه‌شناسی سوژه (کنشگر آگاه) از جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، در واقع پذیرش همین واقعیت است که برخلاف جامعه‌صنعتی که در آن، یک مناقشه‌ی عمده بین کارگران و صاحبان صنایع وجود داشت، امروز در جامعه یک رابطه‌ی اجتماعی محوری وجود ندارد که مناقشه در اطراف آن شکل بگیرد. با وجود این، تورن با دیدگاه پست‌مدرنی که معتقد است، در جوامع معاصر شکل واحدی از مناقشه و مبارزه وجود ندارد، به شدت مخالف است. تورن به گونه‌ای کاملاً انتزاعی و در سطحی نظری می‌کوشد تا مناقشاتی را که بر سر ماهیت فردیت و دنیای جامعه‌ی جهانی پدید آمده‌اند، درک کند.

#### زیر نویس:

1. Alain Tourain
2. Ecole Normale Superieure
3. Jean Francois Lyotard
4. Historycity
5. Foucauldianism (charles Eugene de Foucauld)
6. Social intervention
7. Sociology of subject
8. Institution
9. Community
10. Deinstitutionalization
11. Desocialization
12. Agency
13. Michel Amoit
14. Pierre Bourdieu
15. Alberto Melucci

#### منبع:

این مقاله ترجمه‌ای است از McDonald, Kevin (2003) *Alaine Touraine*, In Anthony Elliott and Larry Ray (eds) *Key contemporary social theorists*, London: Black well publishing.

#### انتقادهای عمده

انتقادهای گوناگونی از دیدگاه‌ها و آثار و نوشته‌های تورن به عمل آمده است. اولین انتقاد به علمی بودن مقوله‌ی «مداخله‌ی جامعه‌شناختی»، وارد آمده است. میشل آمو<sup>۱۳</sup> می‌گوید: مداخله جامعه‌شناختی مورد نظر تورن و میل وی به عمل جنبش از وی یک کوشنده فعال (اکتیویست) می‌سازد و کار وی را بیشتر به پیشگویی تبدیل می‌کند تا به جامعه‌شناسی. تورن در پاسخ به این انتقاد گفته است، در برخی از موارد، مداخله به شکل یک جنبش اجتماعی خودنمایی نکرده بلکه در مشکلاتی تبلور یافته است که کنشگران در تلاش برای ایجاد مناسبات اجتماعی با آن روبرو می‌شوند.

در فرانسه، بحث‌های روشن‌فکری با مباحثات سیاسی تداخل پیدا می‌کنند. این موضوع به‌ویژه درباره‌ی دومین انتقادی که از آرا و اندیشه‌های تورن به عمل آمده است، مصداق پیدا می‌کند. انتقاد دوم را چپ‌های سنتی به‌ویژه با استناد به مسائل جهانی شدن از دیدگاه‌های تورن به عمل آورده‌اند. تورن می‌گوید: جهانی شدن را باید با برخوردی نقادانه پذیرفت. این در حالی است که یکی از گرایش‌های عمده در میان جنبش